

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، دوم مارچ ۲۰۱۰

بنی آدم اعضای یکدیگرند!!! یا بنی آدم اعضای یک پیکرند؟؟؟

استاد سخن و معلم اخلاق امم، شیخ شیراز، سعدی علیه الرحمه، هشت صد سال پیش مثنوی معروف خود را سرود که مصراع اولش در بسا کتب و نسخ بدینگونه بما رسیده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

پیش از آنکه در مورد "درستی" و یا "نادرستی" این هیئت یا "ورشن" چیزی بگوئیم، تمام مثنوی شیخ اجل را نقل میکنم:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بیغمی نشاید که نامت نهند آدمی

علی الظاهر همین صورت را در کتب خواننده ایم و از دوران مکتب هم بدین شکل بیاد داریم و قسمی که گویند، در مقر "یونو" یا "مؤسسه ملل متحد" و بگفته جدید خیالان(*)، "سازمان ملل متحد" در نیویارک نیز، در همین هیئت حک گردیده است.

تا جایی که بر من واضح گردیده است، اولین کسی که بر صبغت و هیئت موجود "مصراع اول" این مثنوی ایراد وارد کرد، استاد "مرتضی مطهری"، بود. آنچه را آن استاد علامه باجمال بیان کرده است، من همان را درینجا شرح داده و تقدیم "زرف اندیشان" میکنم:
استاد مطهری مصراع اول را بدین صورت تصحیح میکند:

بنی آدم اعضای یک پیکرند

و این تصحیح را بر حدیثی از پیامبر خدا مدلل میسازد، که فرمود:

«انسانها اعضای یک "پیکر زنده" اند.»

بلی خواننده عزتمند، تنها همین نحوه بیان است که مفهوم را به شکل منطقی افاده کرده میتواند. "اعضای یک پیکر" مترتب بر یک مفهوم منطقی میباشد، در حالی که "اعضای یکدیگر" هیچ "بنیاد منطقی" ندارد. ما منطقاً اجازت نداریم بگوئیم که:

« ما اعضای یکدیگر استیم.»

یا

« ما اجزای یکدیگر میباشیم.»

"اعضای یکدیگر" و "اجزای یکدیگر" یعنی چه؟؟؟؟ چنین افاده ای را هیچ منطقی قبول ندارد.

ما منطقاً میتوانیم بگوئیم که :

اعضای یک "حزب"

اعضای "ولسی جرگه"

اعضای "پارلمان"

اعضای یک "فامیل"

اعضای "کابینه"

اعضای یک "سازمان"

اعضای یک "بورد"

اعضای یک "هیئت"

و غیرهم

درینجا "حزب" و "ولسی جرگه" و "پارلمان" و "فامیل" و "کابینه" و "سازمان" و "بورد" و "هیئت" هرکدام عبارت است از یک مجموعه، یک کل، یک دستگاه، یک نظام، یک سیستم و در نهایت یک "پیکر" که افراد و اشخاص را در خود مدغم ساخته است و این افراد و اشخاص همان "اعضاء" و "اجزاء" آن میباشند.

"عضو"، جزئی از یک "کُل" است و "کل" در وجود یک "جمع" و "جمعیت" و "گروه" و "دسته" و "گروپ" و "مجموعه" و "دستگاه" و سرانجام یک "پیکر" خلاصه میگردد. همان طوری که یک "جزء" را نمیتوان "جزء" یک جزء "نامید، به همان سیاق نمیتوان یک "عضو" را "عضو یک عضو" شمرد.

اما رابطه "اعضای یک پیکر" باهم، بسان رابطه "اجزای یک کل" است.

اگر منطقاً اجازت داشته باشیم که ترکیبات "اعضای یکدیگر" و "اجزای یکدیگر" را استعمال کنیم، در آن صورت باید اجازه استعمال ترکیبات "اعضای یک عضو" و "اجزای یک جزء" را هم داشته باشیم!!!!

راهی دیگر نمیانند:

– یا باید "بنی آدم اعضای یکدیگرند" بگوئیم و عذر "منطق" را بخواهیم.

– یا اینکه آن مصراع را به صورت "بنی آدم اعضای یک پیکرند" اصلاح نمائیم، که هم اساس منطقی دارد و هم با حدیث پیغمبر سازگار است.

نمیخواهم بگویم که اصل فرموده "سعدی" اینطور بوده است، یا آن طور. یک نکته مگر مُحَرَّر و کاملاً ثقه است و آن اینکه :

"نسخه برداران" در اشعار بزرگان بسیار تصرف و دست درازی کرده اند و از همین سبب بسا اشعار را در نسخ مختلف، به انحای متفاوت می یابیم!!!!

والسلام علی من التبع الهدی

توضیح:

* – "جدید خیال" اصطلاح زنان کابلی و در معنای "عصری"، "متجدد" و باصطلاح فرنگی "مدرن" است. زنان ارجمند کابلی دو کلمه عربی "جدید" و "خیال" را به قاعده دستوری "زبان دری" ترکیب کرده و ترکیب پسندیده "جدید خیال" (بدون اضافت) را درست کرده اند. و "جدید خیال" که از سیاق خود ترکیب، مفهومی بوجه حسن و شکل احسن، افاده میگردد، یکی از زیباترین ترکیباتیست، که زبان عوام در دسترس ما گذاشته است و هیئات و دردا و اسفا، که اهل قلم و آنانی که غره "زبان ادبی" اند و به "زبان تحریر" میبالند، ازین لغت زیبا و بی مثال "عامیانه" هرگز استفاده نمیکند. استاد فرزانه "پوهنتون تهران"، داکتر "خسرو فرشیدورد"، که دو هفته پیش به

رحمت ایزدی پیوست - که جنتها جایش باد - در زمینه "دستور زبان دری" و "لغت سازی"، ارشادات شاهوار و نافذی دارند و از جمله فرمایند که :

« لغات جدید باید از عناصر "زنده" و "مفهوم" ترکیب گردند و آنطوری ترکیب گردند، که خود "مفهوم" بوده و به شرحی نیاز نداشته باشند.» (البته این مُفاد آن چیز است، که استاد "فرشیدورد" در کتب خود فرموده است، ولو که عین عبارت و فارمولبندی ایشان را ندارد)

من این ارشاد گهربار استاد روانشاد را در ترکیب "جدید خیال" به چشم سر می بینم و نه تنها در همین یک ترکیب!!!!

زبان عامیانه کلا و "زبان عامیانه کابلی" خصوصاً، ازین سیاق کلمات را من من و تن تن و به خروارها در دسترس ما گذاشته است، مگر شعراء و نویسندگان و دانشمندان و اهل قلم ما، عار دارند، که از این گنجینه "موجود" و "خدا داد" استفاده کنند!!!!!!